

## تعهد تضامنی

امسان شمس<sup>۱</sup>

### چکیده

مفهوم پیچیده تعهد در اقتصاد کنونی به همان سادگی گذشته باقی نمانده است و هر روز بر دایره اعراض آن افزوده می‌شود. تعهد در یک دید بسیار کلی، به دو نوع ساده و مرکب تقسیم می‌شود. تعهد مرکب گاه ناشی از تعدد در ذات تعهد است و گاه ناشی از تعدد در اطراف تعهد. در حقوق ما، تعدد در اطراف تعهد را می‌توان به دو نوع گسسته و پیوسته تقسیم کرد. تعهد گسسته نیز خود به دو نوع عادی و تضامنی تقسیم می‌شود. تعهد تضامنی هر چند در ابتدا عنصری بیگانه به نظر می‌رسد؛ اما با گسترش مفهوم بیمه، در حقوق ما از جایگاه مستحکمی برخوردار شده است. تعهد تضامنی حالت تعهد واحدی است که برای آن، چند بدهکار وجود دارد و میان آنان هیچ‌گونه ارتباط حقوقی برقرار نیست؛ و از این جهت در مقابل دین تضامنی قرار می‌گیرد. بررسی تعهد تضامنی و آثار آن و ایجاد مرزی قاطع میان آن و سایر نهادهای حقوقی در تعدد متعدد الاطراف؛ علاوه بر تحکیم جایگاه این نهاد حقوقی، به غنای بحث تعهدات حقوق ما و به ویژه در حقوق بیمه خواهد افزود.

کلیدواژه: تضام، تضامن، تضامن منفی، التزام به تادیه، جانشینی در تعهدات

تعهد در حقوق رومی، مبنا و اساس بررسی حقوق خصوصی است و قراردادهای و ضمان قهری به تبع آن بحث می‌شود. در حالی که در حقوق ما - به تبع فقه شیعی - منابع تعهد (عمل حقوقی و واقعه حقوقی) مرکز اصلی بررسی است و تعهد به تبع آن، در قسمت آثار آن دو، به صورت پراکنده مورد بررسی قرار می‌گیرد. با این وجود در آثار فقیهان متأخر، بالاخص باب شروط در کتاب مکاسب و بعد از او به تبعیت از آن کتاب، تعهدات استقلال بیشتری را در منابع فقهی و آرای آنان به دست آورد. اما همچنان کاستی‌های بنیادین در بخش تعهدات در منابع مدون حقوقی ما احساس می‌شود. راهی که حقوق رومی دقیقاً نقطه مقابل آن را طی کرد. این موضوع سبب شده که حقوق رومی در بررسی ابعاد تعهد از ما پیش‌تر باشد و به نوعی حقوق ما را به پیروی وا دارد. بررسی کتب بزرگان حقوقی در باب تعهدات و نگاهی به منابع مورد استفاده آنان خود گویای همه چیز است. یکی از این ابعاد پیشروی، در تعهدات مرکب و به ویژه در تعهدات جمعی و مشترک - اعم از تضامن<sup>۱</sup>، التزام به تادیه<sup>۲</sup>، جانشینی در تعهدات<sup>۳</sup> مسئولیت متعددا لاطراف و غیره و به ویژه در تعهد تضاممی<sup>۴</sup> - دیده می‌شود.

از جمله ابوابی که حقوق غربی در آن پیش‌قدم شده، بررسی کنش و واکنش تعهدات و ضمان قهری است. به این معنا که با بازی با مفهوم تعهد و اعتقاد به مسئولیت جمعی، بتوان نوعی از تعهد را برای تضمین جبران خسارات برقرار کرد تا حداکثر امکان تدارک زیان، متصور و فراهم باشد. این مفهوم بیش از همه، کارکرد خود را در بروز خسارات توسط سلسله‌ای از علل مختلف نشان می‌داد که همگی به صورت غیرمستقیم در بروز زیان (تعهد) نقش‌آفرین هستند. در مواجهه با چنین رویدادی، به جای تلاش در بررسی روابط علیت و سایر ارکان مسئولیت مدنی، مسئولیت جمعی برقرار شد تا روند جبران خسارات کوتاه‌تر شود و نظم اجتماعی معطل رسیدگی‌های طولانی دادگاه‌ها و استدلال حقوق‌دانان نشود؛ مانند خساراتی که از سقوط مصالح از ساختمانی چند طبقه رخ دهد یا زبانی که از سرایت آتش از چنین ساختمانی به ساختمان‌ها و اموال اطراف بروز می‌کند. این مصلحت‌اندیشی، عرصه جدیدی بر روی حقوق تعهدات گشوده است. کارکرد مفهوم مسئولیت تضاممی دقیقاً در این رابطه است. تضامم نوع خاصی از تعهدات جمعی که در نظام تعهدات گسسته دیده شده و رگه‌هایی از آن در نظام حقوقی ما نیز وجود دارد؛

۱. solidarite
۲. delegation
۳. subration
۴. in solidum



اما بر خلاف حقوق غربی، ابعاد آن به‌طور کامل موشکافی نشده و به عنوان نهاد حقوقی مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است.

باید توجه داشت که اصولاً زمانی که صحبت از تعدد اطراف تعهد به میان می‌آید، موضوع، انصراف به تعهدات پیوسته دارد. در تعهدات پیوسته است که رابطه حقوقی میان اطراف متعدد برقرار می‌شود و آن را در خور بررسی می‌کند. اما تعهدات گسسته نیز با وجود آنکه میان اطراف متعدد، رابطه حقوقی موجود نیست، آثاری مهم میان آنان به‌جا می‌گذارد که نیازمند بررسی است. تضامم از جمله این‌گونه تعهدات گسسته است. تعهداتی که دلای اطراف متعدّدند، اما مرکب تلقی نمی‌شوند یا به بیان بهتر ارتباط حقوقی مستقیمی میان اطراف متعدد وجود ندارد و آنان به‌طور مستقیم از هم متأثر نمی‌شوند. مفهوم تعهد تضاممی در حقوق ما تازه می‌نماید و در کمتر متونی به آن اشاره شده است. استاد حقوق در متنی جزئی به آن اشاره فرموده<sup>۱</sup> و بسط اندیشه آن را برای آیندگان به میراث گذاشته است. اما در دیگر نظام‌های حقوقی، به آن توجهی کامل دارند و از آن نتایج مهمی به دست داده‌اند؛ و البته در حقوق ما نیز برای آنان مبنایی وجود دارد.<sup>۲</sup> برای مثال در فقه آنجا که بحث از افلاس بدهکار می‌کنند، بیشتر این نوع از تعهد را در ذهن دارند. در این تحقیق ابتدا مفهوم و حدود این نوع از تعهد را از نظر خواهیم گذراند، سپس به بررسی آثار آن نسبت به اطراف آن، یعنی طلبکاران و بدهکاران خواهیم نشست.

### ۱- مفهوم تعهد تضاممی

اولین قدم در شناسایی یک نهاد حقوقی ارایه تعریف از آن است. اما از آنجا که این نهاد حقوقی تا کنون به صورت عمده مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است، ادعای جامعیت و مانعیت چنین تعریفی حداقل برای نویسنده سخت می‌نماید و امید است همت عالی نقادان در تعالی آن بکوشد. با این وجود برای ورود به بحث چاره‌ای جز تلاش در راه آن نیست. در این قسمت ابتدا به تعریف تضامم خواهیم پرداخت (بند اول) سپس به بررسی منابع ایجادکننده آن توجه می‌کنیم (بند دوم) و در نهایت برای شناخت و تبیین جایگاه آن، به مقایسه آن با سایر نهادهای مشابه حقوقی می‌پردازیم (بند سوم).

### ۱-۱- تعریف تعهد تضاممی

استاد حقوق از مفهوم تضامم - که در باب مسئولیت تضامن ناقص در فرانسه از آن یاد شده است - تحت

۱. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، میزان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶ پاورقی.

۲. یزدانیان، علیرضا، قواعد عمومی مسئولیت منعی، ج ۱، میزان، ۱۳۹۵، ص ۵۷۶.

عنوان مسئولیت جمعی یاد کرده است.<sup>۱</sup> اما استفاده از عنوان تضامم برای این نوع از مسئولیت شاید به دلیل قرابت تلفظ با تضامن زیباتر باشد. از سوی دیگر حقوق دانان متقدم اسلامی از این عنوان برای این نهاد استفاده کرده‌اند و از این حیث این لفظ با منابع ما آشنا تر است.<sup>۲</sup> در حقوق فرانسه این مفهوم با تضامن ناقص در هم آمیخته و به جای نهاد تضامن ناقص از نهاد حقوقی تضامم استفاده می‌کنند و مفهوم تضامن ناقص را متروک کرده‌اند.<sup>۳</sup> مسئولیت تضاممی مسئولیتی است که در آن بدهکاران، ملتزم به تادیه تعهدی واحد با اسباب مختلف<sup>۴</sup> هستند، بدون آنکه میان آنان ارتباط مستقیم حقوقی وجود داشته باشد؛ مانند آنکه خودرویی به عابری پیاده برخورد کند و به او زیان برساند. در این فرض هم مباشر زیان مسئول جبران است و هم بیمه‌گر وسیله نقله به موجب قرارداد میان خود و بیمه‌گذار موظف به جبران خسارت عابر پیاده است. پس برای زیان یا تعهدی واحد، دو مسئول جبران خسارت - یکی به واسطه قرارداد بیمه و دیگری به واسطه قواعد عمومی ضمان قهری - وجود دارد.<sup>۵</sup> از همین جهت این نهاد بسیار به مسئولیت تضامنی شبیه است.<sup>۶</sup>

برخی تضامم را ناظر به تعهدهای متعدد با موضوع واحدی دانسته‌اند که بر عهده چند نفر قرار گرفته است<sup>۷</sup> و از این جهت آن را در کنار مفهوم تضامن ناقص قرار داده‌اند. این اعتقاد قابل نقد به نظر می‌رسد؛ چرا که در تضامن ناقص تعهدی واحد، به سببی واحد بر عهده چند نفر قرار می‌گیرد که یکی از آنان بدهکار واقعی است و دیگران فقط ملتزمین به تادیه تلقی خواهند شد.<sup>۸</sup> به بیان بهتر در تضامن ناقص پیوستگی میان بدهکاران وجود دارد، اما در تضامم چنین پیوستگی دیده نمی‌شود و آنان از هم متأثر نمی‌شوند.<sup>۹</sup> در تضامن میان بدهکاران، رابطه‌ایی بسان جانشینی وجود دارد. اما در تضامم هیچ‌گونه رابطه نمایندگی میان بدهکاران نیست. از همین حیث است که تضامم آثار فرعی تضامن را ندارد و عده‌ای از آن به نام تضامن ناقص یاد می‌کنند.<sup>۱۰</sup> اما باید توجه داشت که مبنای مسئولیت تضاممی با مسئولیت تضامن ناقص تفاوت دلد و این آمیزش در حقوق فرانسه قابل ایراد به نظر می‌رسد.

۱. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۲۷.

۲. السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط، ج ۳، نسخه پی دی اف رایانه‌ایی، بی تا، ص ۲۸۵.

۳. Porchy-Simon (۲۰۰۲), *Stephanie, droit civil*, ۲ ed, dalloz, p. ۳۸۸.

۴. یزدانیان، علیرضا، پیشین، ص ۵۶۷.

۵. Legier, Gerard (۲۰۰۱), *les obligation*, ۱۷ ed, dalloz, paris, p. ۲۲۷.

۶. Porchy-Simon, op. cit, p. ۳۸۸

۷. Mazeaud (۱۹۸۲), *henry et leon, Lecons de droit civil*, paris, p. ۳۲۷.

۸. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۰۲.

۹. شمس، احسان، تعدد طلبکاران، کیومرث، ۱۳۹۶، ص ۱۴۰.

۱۰. Mazeaud, ۱۹۸۹, *ibid*, p. ۳۲۰.

در حقوق رم تضامن یک استثنا بود و نیاز به تصریح در قرارداد داشت. لذا برای جبران این کاستی و ایجاد مسئولیت جمعی، در فقدان چنین منبعی به جای مسئولیت تضامنی، مسئولیت تضاممی برقرار می‌شد، تا تضمینی برای خسارت زیان دیده برقرار شود. به تبع همین سابقه تاریخی، در حقوق فرانسه تضامن به دو دسته کامل و ناقص تقسیم می‌شد. اما تضامن ناقص به علت ایراداتی که عموماً به خاطر فقدان نص صریح بود، کم‌کم متروک ماند و حقوق دانان متأخر با این ادعا که تضامن ناقص همان تضام است رویه قضایی را به سمت اعتبار بخشیدن به این مفهوم بردند.<sup>۱</sup> به بیان بهتر از آنجا که تضامن در حقوق رومی خلاف اصل بود و حقوق دانان در جست‌وجویی راهی برای ایجاد مسئولیت جمعی بودند، برای رهایی از ایراد استثنایی بودن تضامن، به تضام توسل جستند؛ تا بتوانند حداقل تضمین جبران خسارت را برای زیان دیده، فراهم آورند. زندگی ماشینی کنونی و پیچیدگی اسباب مسئولیت در دنیای کنونی ضرورت حفظ حقوق زیان دیدگان را بیشتر می‌کند. از همین رو دکترین حقوقی فرانسه با توجه به مواد ۵۵ قانون کیفر قدیم فرانسه و ۳۷۵ و ۴۸۰ و ۵۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری جدید فرانسه این نوع مسئولیت را پیشنهاد داد و مورد استقبال رویه قضایی قرار گرفت و به سرعت گسترش یافت. دیوان عالی کشور فرانسه در رأی مدنی ۴ به تاریخ ۱۹۳۹ بیان می‌دارد که در صورت بروز زیان توسط اشخاص مختلف همگی به صورت ضمان ناقص (تضام) مسئولیت جبران را دارند.

بنابراین در حقوق فرانسوی، عمدتاً حقوق دانان همه آثار ناظر بر تضامن را بر تضام بار کرده‌اند و مفهوم تضامن ناقص را با تضام در هم آمیخته‌اند.<sup>۲</sup> این اعتقاد در حقوق ایران قابلیت تسری ندارد؛ زیرا: اولاً در تضام همه مسئولان، مدیون واقعی‌اند. ثانیاً: ایجاد قائم‌مقامی در طلب به صرف پرداخت در تعهد تضامنی نیاز به نص خاصی ندارد و طبیعت آن است، حال آنکه در تضام این قائم‌مقامی حتماً نیازمند وجود جواز قانونی است. ثالثاً: در تضام به صرف مطالبه طلبکار از یکی از بدهکاران بر خلاف تضامن - آن مطالبه به همه سرایت نمی‌کند.<sup>۳</sup> چرا که در تضام مبنای مشترکی برای مسئولیت نیست و از همین رو صدور حکم دربارهٔ یک رابطه، به علت عدم وحدت سبب قابلیت استناد و اعتبار امر مختوم را به دیگران ندارد. از سوی دیگر مبنای رجوع پرداخت‌کننده در تضامن عرضی، نسبت به سهم هریک از

۱. *ibid.*

۲. *Gabril marty et pierre raynud, droit civil, p. ۱۱۲ et philippe le Tourneau, solidarite, dalloz, ۲۰۰۴, p. ۱۹.*

۳. یزدانیان، علیرضا، پیشین، ص ۵۷۷.

۴. *Terre, ۲۰۰۵, p. ۱۲۰۱.*

۵. *Ibid.*

مسئولین است» درحالی که در تضامم تمام مبلغ قابل پرداخت است. به بیان دیگر اگر قانون در تضامم، حکم به جانشینی دهد عموماً جانشینی نسبت به تمام تعهد رخ می‌دهد. اثر مهم تعهد تضاممی آن است که پرداخت کننده قراردادی قائم مقام طلبکار شده و عیناً از حقوق او بهره‌مند می‌شود و بدهکاران اصولاً با هم ارتباط حقوقی مستقیمی ندارند؛ مانند دعوی مستقیم موجر علیه مستأجر فرعی جهت دریافت اجاره و یا دعوی مستقیم کارگری علیه کارفرمای اصلی و یا دعوی مستقیم زیان‌دیده علیه بیمه‌گر و یا بیمه علیه عامل زیان<sup>۱</sup>.

حقوق مدنی مصر نیز در ماده ۱۶۹ قانون مدنی این کشور<sup>۲</sup> برای چنین فرضی مسئولیت تضاممی وضع کرده است. همین موضوع در مواد ۸۳۰ و ۸۴۰ قانون مدنی آلمان نیز اتخاذ شده است. در حقوق ایران در باب تعدد اسباب زیان اصل بر مسئولیت مشترک است (ماده ۴۷۹ قانون مجازات)؛ اما از چگونگی این اشتراک سخنی به میان نیامده است<sup>۳</sup> و همین سکوت برخی را به مسئولیت جمعی مشترک رهنمون ساخته است<sup>۴</sup>. شاید ریشه این عقیده در تلقی نمودن مسئولیت تضاممی به عنوان مسئولیتی مشترک به جای مسئولیتی جمعی است. این در حالی است که این مفاهیم تفاوت‌های بنیادی با هم دارند. مسئولیت جمعی برخلاف مسئولیت مشترک در حقوق ما بسیار استثنایی و نیازمند نص است. علاوه بر این مسئولیت مشترک باعث ایجاد رابطه حقوقی میان بدهکاران یا به بیان بهتر، ایجاد تعهد پیوسته می‌شود؛ اما در دیگری هیچ‌گونه رابطه حقوقی میان بدهکاران ایجاد نشده و باعث تعهدی گسسته خواهد بود که خود آثار بسیار مهمی را به دنبال دارد<sup>۵</sup>.

به این نکته مهم نیز باید توجه داشت که زیان‌دیده در آن واحد نمی‌تواند به هر دو مسئول برای جبران خسارت رجوع کند. اصولاً در حقوق ما امکان جمع میان اسباب مسئولیت قهری و مسئولیت قراردادی وجود ندارد، اما امکان انتخاب میان این دو هست<sup>۶</sup>. از طرف دیگر نباید هر تعدد اسباب در ضمان قهری را نیز مسئولیت تضاممی پنداشت. هر چند که وجود بیش از یک رابطه حقوقی ناشی از ضمان قهری می‌تواند موجب ایجاد تضامم شود؛ مانند اینکه چند نفر به مباشرت باعث جنایتی شوند به نحوی که جنایت

۱. شمس، احسان، پیشین، ص ۵۴.

۲. ماده ۱۶۹ ق.م. مصر: «هر گاه چند نفر مسئول عمل زیان‌بار باشند، به‌طور مشترک و منفرد، مسئول جبران خسارتند. مسئولیت بین آنها به تسوی خواهد بود مگر اینکه قاضی سهم هر یک از آنها در جبران خسارت را تعیین کند».

۳. در قوانین خاص از مسئولیت تضامنی (ماده ۴ قانون اجرای احکام مدنی) و یا تضاممی یاد کرده (ق بیمه اجباری ۱۳۸۷ و یا قانون رعایت حقوق مصرف کننده ۱۳۸۶ و یا ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی در باب مسولیت کارفرما قانون ۱۳۳۹).

۴. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۰۲.

۵. ر. ک. شمس، احسان، پیشین، ص ۲۰۲ به بعد.

۶. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، ج ۱، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹.

منتسب به همه آنان باشد؛ هرچند باور حقوق دانان بر آن است که تضامم اختصاص به تعهدات مدنی دارد و در کیفر راهی ندارد.<sup>۱</sup>

### ۲-۱- منبع تعهد تضاممی

حقوق دانان فرانسوی بر این عقیده اند که قرارداد نمی تواند منبع این نوع از مسئولیت باشد و آن را بر عکس مسئولیت تضامنی که می توان آن را به صورت قراردادی وضع کرد، مختص ضمان قهری و حکم قانونی می دانند.<sup>۲</sup>

از همین رو در صورت شک به وجود یک اراده ناظر به تضامن و یا تضامم، تضامن را مقدم داشته و یا به جای آن مسئولیت مشترک را مقدم می دانند و در هر حال به مسئولیت تضاممی در قراردادها توجهی ندارند. به نظر می رسد این استدلال در حقوق ما نیز پذیرفتنی است.<sup>۳</sup> تضامم توصیف قانونی از تعدد بدهکارانی است که رابطه حقوقی مستقیمی با هم ندارند. وجود اراده انشایی این خصوصیت را از آن می گیرد و آن را به تعهدی پیوسته تبدیل می کند.

بی شک در مسئولیت تضاممی باید حداقل یک رابطه حقوقی تعهدناشی از مسئولیت مدنی وجود داشته باشد. چرا که شرط ایجاد این نوع از مسئولیت، وحدت موضوع و تعدد اسباب ایجادکننده این تعهد واحد است و چنین امری به صرف وجود قرارداد ممکن نیست. بنابراین این وضعیت حقوقی زمانی رخ می دهد که حداقل یک قرارداد و یک ضمان قهری یا چند ضمان قهری موازی در تولید تعهد نقش ایفا کنند؛ مانند اینکه شخصی خودروی خود را در مقابل حوادث بیمه کند و پس از قرارداد بیمه توسط ثالثی به خودرو زیان وارد آید. پس زیان دیده می تواند هم به موجب قرارداد به شرکت بیمه رجوع کند و هم به موجب ضمان قهری به زیان زننده؛<sup>۴</sup> یا مسئولیت کارفرما در مقابل خسارات ناشی از فعل کارگر خود در محیط کار نیز از همین قبیل است.

### ۳-۱- مقایسه تعهد تضاممی با سایر نهادهای مشابه

تعهد تضاممی به عنوان یک نهاد حقوقی زمانی جایگاه خود را باز می یابد که با دیگر نهادهای حقوقی

۱. Terre, *ibid*, p. ۱۲۰۱.

۲. Porchy, ۲۰۰۲, p. ۳۸۸.

۳. امیر محمدی، محمدرضا، تضامن و آثار آن با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۵۲.

۴. Terre, ۲۰۰۵, p. ۱۲۰۱.

۵. Terre ۲۰۰۵, P. ۳۸۸.

مشابه، مقایسه شود و حدود و مرزبندی‌های خود را با آنان مشخص کند. این مقایسه نکاتی سازنده در استخراج نتایج به دنبال دارد؛ که در تبیین مفهوم تضامم بسیار راهگشاست.

### الف: مقایسه با تضامن منفی

همان‌طور که قبلاً گفته شد، وجود تشابه میان این دو نهاد تا جایی است که در نظام حقوقی فرانسه از آن به جای تضامن ناقص منفی استفاده می‌کنند و نظام حقوقی حاکم بر آن را یکسان پنداشته‌اند.<sup>۱</sup> اما بر اساس قواعد حقوق ایران، این دو نهاد تفاوت‌های آشکاری نسبت به هم دارند. اول آنکه در تضامن منفی یک بدهکار واقعی وجود دارد و چندین ملتزم به تادیه<sup>۲</sup>، در حالی که در تضامم همه بدهکاران به واقع بدهکار تلقی می‌شوند. اثر عملی مهم این تلقی آن است که در تضامن منفی می‌توان شرط بر ترتب در مطالبه نمود، اما در تضامم از آنجا که هیچ رابطه‌ایی میان بدهکاران وجود ندارد<sup>۳</sup>، نمی‌توان چنین شرطی را برقرار کرد. بنابراین در خسارات ناشی از حوادث وسایل نقلیه موتوری زمینی، بیمه نمی‌تواند جبران خسارت را منوط به رجوع به زیان‌زننده منوط کند. دوم آنکه تضامم نوعی از طلب گسسته است؛ در حالی که تضامن منفی نوعی از طلب پیوسته است که در آن رابطه حقوقی میان بدهکاران وجود دارد.

همین تفاوت است که باعث می‌شود مطالبه از یکی از متضامنان در حق دیگران نیز مؤثر شناخته شود. قائم‌مقامی در تضامن نیز از منظر وجود همین تفاوت بنیادین است که توجیه می‌شود و در بسیاری از موارد قائم‌مقامی نسبت به تمام تعهد رخ نمی‌دهد؛ مانند آنچه که در باب غصب دیده می‌شود. غاصبی که مورد رجوع قرار گرفته، بعد از پرداخت نمی‌تواند نسبت به همه تعهد به غاصب اصلی که مال نزد اوست و یا تلف شده رجوع کند بلکه اجرت‌المثل ایام تصرف خود را باید بکاهد<sup>۴</sup>. به بیان بهتر قائم‌مقامی در تضامن منفی ناشی از همان رابطه حقوقی است<sup>۵</sup> و می‌توان در آن شرط خلاف نمود<sup>۶</sup>. اما در تضامم که میان بدهکاران ارتباطی وجود ندارد، نسبت به هر یک از بدهکاران باید جداگانه مطالبه صورت پذیرد و قائم‌مقامی بدهکار پرداخت‌کننده، نوعی از انتقال طلب را در خود دارد که به موجب آن جانشین طلبکار و تمام طلب خواهد شد و استقلال خود را از این جهت حفظ خواهد کرد.

۱. Porchy ۲۰۰۲, P. ۳۸۹.

۲. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، میزان، ۱۳۸۲، ص ۲۱۲.

۳. Terre, op. cit, p. ۱۲۰۱.

۴. ماده ۳۲۰ق.م.: «نسبت به منافع مال متصوب، هر یک از غاصبین به اندازه منافع تصرف خود و ما بعد خود ضامن است، اگرچه استیفای منفعت نکرده باشد، لیکن غاصبی که از عهده منافع تصرف غاصبین لاحق خود برآمده است می‌تواند به هر یک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند».

۵. سلطان، ثور، احکام الالتزام، دارالنهضت العربیه، بیروت، ۱۹۷۴، ص ۲۹۲.

۶. ایزنلو، محسن، شرط مخالف قائم‌مقامی بیمه‌گر، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۴، زمستان ۱۳۸۹، صص ۵۷ تا ۷۷.



بنابراین در حقوق ما، تضامن امری استثنایی است و وثیقه‌ایی برای حصول تمامی تعهد تلقی می‌شود. این خصیصه سبب می‌شود که به موجب آن بتوان تمام طلب را از هر یک از متضامین خواست؛<sup>۱</sup> اما این خصیصه مانع آزادی اراده نمی‌شود و تراضی می‌تواند چگونگی رجوع را در تضامن معین کند.<sup>۲</sup> متضامان می‌توانند در طول و یا در عرض هم قرار گیرند؛ میان آنان ترتب وجود داشته باشد و یا خیر. اما در تضامم از آنجا که حکمی قانونی است، جزء قواعد امری تلقی شده و اراده در آن راه ندارد.<sup>۳</sup> پس بدهکاران نمی‌توانند ترتب برقرار کرده و پرداخت تعهد را منوط به رجوع به بدهکار دیگر و عدم پرداخت توسط او کنند. از همین جهت در خسارات ناشی از حوادث رانندگی، بیمه‌گر نمی‌تواند پرداخت را منوط به عدم تادیه از سوی زیان‌زننده کند.

### ب: مقایسه با تضامن مثبت<sup>۴</sup>

تضامن مثبت دارای آثار گسترده حقوقی است و تعریف جامع آن در این مختصر نمی‌گنجد. در اینجا به همین کفایت می‌کنیم که تضامن مثبت قراردادی است میان طلبکاران که به موجب آن، آنان، احدی از میان خود را برای وصول تمام طلب از بدهکار برمی‌گزینند.<sup>۵</sup> از نقاط افتراق تضامم با تضامن مثبت اول آنکه: تضامن مثبت اختصاص به تعدد طلبکاران دارد و در حقوق ما تعهد تضاممی در مورد تعدد بدهکاران بررسی می‌شود و در تعدد طلبکاران راهی ندارد.<sup>۶</sup> دوم آنکه: تضامن مثبت صورتی آشکار از تعهد پیوسته دارد که در آن طلبکاران از هم متأثرند و در اوج ارتباط حقوقی با هم قرار دارند. مطالبه یکی در حق دیگری نیز مؤثر است<sup>۷</sup> و پرداخت به یکی دین را ساقط می‌کند.<sup>۸</sup> اما در تضامم تعهد گسسته است و پرداخت تا زمانی که تعهد تماماً بر ذمه بدهکار واقعی استقرار یابد، ادامه پیدا می‌کند. سوم آنکه: تضامن مثبت تنها به موجب قرارداد ایجاد می‌شود؛ ولی در تضامم حتماً یکی از روابط حقوقی می‌بایست ناشی از ضمان قهری باشد. نهایت آنکه برخلاف تضامن که اراده در آن نقشی اساسی بازی می‌کند، اراده در تضامم راهی ندارد و اثری بر اوصاف و قیود آن نمی‌تواند داشته باشد؛ اما نتیجه حاصله از آن (قائم مقامی) به عنوان یک حق مالی قابل اسقاط است، هرچند تراضی در چگونگی آن راهی ندارد.

۱. سلطان، ثور، پیشین، ص ۲۷۸.

۲. Terre ۲۰۰۵, p. ۱۱۸۷.

۳. Ibid, p. ۱۲۰۰.

۴. solidarite active.

۵. شمس، احسان، پیشین، ص ۱۹۸.

۶. همان، ص ۲۰۳.

۷. Terre, ۲۰۰۵, p. ۱۱۸۴.

۸. سلطان، ثور، پیشین، ص ۲۶۵.

۹. ایزنللو، محسن، پیشین.

### ج: مقایسه با تضامن ناقص

تضامن ناقص نوعی از تضامن است که در آن، تضامن، تنها اثر اصلی خود یعنی التزام اشخاص متعدد به تعهدی واحد - را به جا می‌گذارد و آثار تبعی خود مانند قطع مرور زمان را از دست می‌دهد. به بیان بهتر تضامن ناقص حالتی از طلب پیوسته است که در آن متعهدین در رابطه‌ایی با هم حضور دارند و به‌طور غیرمستقیم از هم متأثر می‌شوند. حال آنکه تعهد تضامنی حالتی از تعهد گسسته است که در آن هیچ ارتباط حقوقی میان بدهکاران نیست. شاید همین نزدیکی باعث شده است که در حقوق فرانسه از تعهد تضامنی به جای طلب تضامنی ناقص استفاده کنند و همان احکام را بر آن بار کنند.<sup>۱</sup> اما در تعهد تضامنی ولو آنکه ناقص هم باشد باز ارتباط حقوقی میان بدهکاران هست که آثار مهم خود را در باب قائم‌مقامی خواهد گذاشت. در حقوق ایران هرچند تمامی وضعیت حقوقی از نوع تضامن ناقص هستند و در آن تضامن کامل راهی ندارد<sup>۲</sup>، اما هنوز میان گسستگی تعهد و پیوستگی آن آثار و نتایج بسیار مهمی وجود دارد که نمی‌توان از آنها چشم پوشید.

### د: مقایسه با تعهد تخییری و تخییری متعدد الاطراف

تضامن را نباید با طلب به تسهیم متعدد الاطراف<sup>۳</sup> یکی پنداشت. در این نوع از تعهد موضوعی واحد بر ذمه چند نفر قرار می‌گیرد، به‌نحوی که اختیار تعیین بدهکار با طلبکار است و با انجام موضوع تعهد توسط هر یک، تعهد ایفا شده تلقی می‌شود؛ مانند اینکه کسی وصایت کند احمد یا علی مسجدی برای فقرا بسازند. در این نوع از تعهد، موضوع تعهد مشخص است اما تعیین بدهکار معلق به اراده انشایی طلبکار یا شخص ثالثی است.<sup>۴</sup> در مقابل، در تضامن دایره بدهکاران معلوم و معین است و رجوع به یکی مسقط حق رجوع به دیگری نیست، مانند آنکه در حادثه خودرو بتوان به بیمه و یا به زیان‌زننده رجوع کرد.

در مورد تعهد تخییری هم همین‌گونه است. در تعهد تخییری بدهکار مشخص است، اما موضوع تعهد مردد بین چند چیز به انتخاب طلبکار یا بدهکار یا شخص ثالثی است<sup>۵</sup> که با انتخاب او موضوع تعهد از تردد خارج و معین می‌شود.<sup>۶</sup> در تعهد تخییری بیش از یک موضوع تعهد اجرا نخواهد شد.<sup>۷</sup> به بیانی دیگر انتخاب باعث تبدیل تعهد تخییری به تعهدی بسیط خواهد شد و تنها یک موضوع را در بر خواهد داشت. اما هنوز ذات مرکب خود را در بر دارد، به این نحو که در صورت از بین رفتن موضوع تعهد انجام شده،

۱. Porchy-Simon, op. cit. P. ۳۸۹.

۲. کاتوزیان، ناصر، تقریرات درس مسئولیت مدنی تطبیقی، دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۹۲.

۳. obligation disjoints

۴. السنهوری، عبدالرزاق، پیشین، ص ۱۶۴.

۵. سلطان، نور، پیشین، ص ۲۴۸ و کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، ص ۱۵۷.

۶. Terre, op. cit, p. ۱۱۸.

۷. کاتوزیان، ناصر، پیشین.

باعث از بین رفتن کل تعهد نمی‌شود و متعهدله می‌تواند موضوع دیگر را انتخاب کند. در تعهد تخییری اصل بر آن است که حق انتخاب با بدهکار است، مگر آنکه شرط خلاف شود<sup>۱</sup>. از همین‌جا تفاوت عمده آن با تعهد تضاممی آشکار می‌شود. تعهد تضامم دارای موضوع قطعی است و نمی‌توان آن را تغییر داد و یا میان چند چیز برگزید، مگر به موجب تبدیل تعهد. در مورد اینکه اگر در مورد تعهد تخییری دارای بدهکاران متعدد یا طلبکاران متعدد باشند، نحوه مطالبه و انتخاب و یا در صورت امتناع بعضی از انتخاب موضوع تعهد، حالات مختلفی رخ خواهد داد که از حوصله این بحث خارج است<sup>۲</sup>.

### ه: مقایسه با ضمان، حواله و انتقال طلب

ضمان در حقوق ما مفید نقل بوده<sup>۳</sup> و از اسباب تحصیل براءة بدهکار اصلی است. به این معنا که با حصول ضمان، ذمه بدهکار اصلی فراغت جسته و در مقابل ذمه ضامن در مقابل مضمون‌له مشغول می‌گردد<sup>۴</sup>. در حالی که در تضامم پرداخت و انتقال طلب رخ نمی‌دهد. چند نفر به اسباب مختلف به خاطر دین واحدی در مقابل طلبکاری واحد ملزم به پرداخت تمام دین هستند. از سوی دیگر منبع ضمان قرارداد است، در حالی که تضامم تنها به حکم قانون ایجاد می‌شود و آثار آن به موجب احکام قانون صورت می‌پذیرد و اراده در آن نقشی ندارد.

آنچه که گفتیم در مورد حواله و تبدیل تعهد نیز صادق است. این دو نهاد وسیله‌ایی برای پرداخت دین هستند. باید توجه داشت که در حواله در فرضی که به واقع محیل مدیون محتال بوده و در مقابل طلبکار محال‌علیه باشد، تفاوتی با تبدیل تعهد ندارد<sup>۵</sup>. پس احکامی مشابه دارند. این هر سه سبب پرداخت دین هستند و از مبنا با نهاد تضامم اختلاف دارند. همگی زاینده قراردادند و آثار عقد را به همراه دارند. همین حکم را در مورد انتقال طلب هم می‌توان تکرار کرد. با این تفاوت که انتقال طلب پرداخت تلقی نمی‌شود؛ بلکه اثر غیر مستقیم آن تهاتر و پرداخت خواهد بود. انتقال طلب قراردادی است میان طلبکار سابق با طلبکار لاحق، که به موجب آن طلبی که بر ذمه بدهکار است، به همراه تمام اوصاف خود وارد دارایی طلبکار جدید می‌شود<sup>۶</sup>، بدون آنکه ضمانت اجراهای خود را از دست بدهد<sup>۷</sup>.

۱. همان، ص ۲۴۹ و ماده ۲۷۵ قانون مدنی مصر: «یکون الالتزام تخییریا اذا شمل محله اشیا متعدده تبرا ذمه المدین برئت تامة اذا ادى واحدا منها، و یکون الخيار للمدین ما لم ینص القانون لو یتفق المتعاقدان علی غیر ذلک».

۲. ر. ک. شمس، احسان، پیشین، ص ۴۸ به بعد.

۳. ماده ۶۹۸ ق.م. «بعد از اینکه ضمان به‌طور صحیح واقع شد، ذمه مضمون‌عنه بری و ذمه ضامن به‌مضمون‌له مشغول می‌شود».

۴. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم کنونی، میزان، ۱۳۹۴، ص ۴۵۶، شرح ماده ۶۹۸.

۵. به نظر می‌رسد حواله و تبدیل تعهد، یکی است و قفون‌گذار در مقابل تبدیل تعهد و تفاوت آن با انتقال طلب و حواله دچار افسون حقوق رومی شده و نگلهی فقهی به نهادهای بیگانه کرده است.

۶. السنهوری، عبدالرزاق احمد، انتقال و سقوط تعهدات، ترجمه علیرضا امینی و دیگران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، بی‌تا، ص ۲۵ و کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، ص ۲۴۸.

۷. Terre ۲۰۰۵، p. ۱۲۱۵.

در تعهد تضامنی، طلبکار می‌تواند برای تمام موضوع تعهد به هر یک از بدهکاران مراجعه کند. پرداخت هر یک از بدهکاران نیز سبب برائت ذمه همه بدهکاران می‌شود و از این جهت همانند تضامن منفی است.<sup>۱</sup> تضامن منفی در حقوق رومی بر پایه نمایندگی استوار است. بر همین مبنا آثار فرعی تضامن بر آنان بار خواهد شد.<sup>۲</sup> اما در تضامم، نمایندگی و به تبع آن ارتباط حقوقی میان بدهکاران وجود ندارد. از همین جهت برای یکی سبب سقوط تمام تعهد نخواهد بود.<sup>۳</sup> بنابراین تفکیک میان اثر تعهد تضامنی نسبت به طلبکار و همچنین آثار آن در میان بدهکاران می‌تواند ابعاد این نهاد حقوقی را آشکار کند. از همین جهت است در حقوق فرانسوی تنها آثار اصلی تضامن را بر آن بار می‌کنند و جلوی آثار فرعی تضامن را می‌گیرند.<sup>۴</sup> در این قسمت ابتدا به بررسی آثار تعهد تضامنی نسبت به طلبکار می‌پردازیم (بند اول) و سپس به آثار آن نسبت به بدهکاران توجه می‌کنیم (بند دوم).

### ۱-۲- آثار تعهد تضامنی نسبت به طلبکار

طلبکار می‌تواند تمام طلب را از هر کدام که انتخاب کرد، بخواهد<sup>۵</sup> و بدهکاران نمی‌توانند قسمی از آن را پرداخت کنند. همچنین حق انتخاب با طلبکار است و نمی‌توان آن را محدود کرد.<sup>۶</sup> از سوی دیگر، بر خلاف تعهد متعدد الاطراف، انتخاب یکی از بدهکاران سبب استقرار تعهد بر ذمه او نیست. بلکه حق رجوع برای او نسبت به دیگر بدهکاران را همچنان محفوظ می‌دارد. از آنجا که تضامم نوعی از تعهد گسسته است، هیچ رابطه حقوقی میان بدهکاران وجود ندارد، از همین جهت اعمال مثبت نسبت به یکی از بدهکاران نمی‌تواند نسبت به سایرین مؤثر واقع شود. پس اگر طلبکار یکی از بدهکاران را ابرا نمود. این موضوع نسبت به سایرین مؤثر نخواهد بود و آنان همچنان بدهکار تلقی می‌شوند. همین حکم در مورد امتناع یکی از بدهکاران نیز وجود دارد و امتناع او به دیگر بدهکاران سرایت نمی‌کند.<sup>۷</sup> تضامم آثار تبعی مانند قطع مرور زمان و یا مطالبه را در بر ندارد و ارتباط حقوقی میان یکی از بدهکاران با طلبکار، تأثیری در حق بقیه ندارد.<sup>۸</sup>

۱. یزدانیان، علیرضا، پیشین، ص ۵۸۴.

۲. Lacombe ۱۹۶۷, p. ۴۶۸.

۳. بر خلاف آنچه که در تضامن منفی دیده می‌شود، ماده ۳۲۱ قانون مدنی در این باره اشعار می‌دارد: «هر گاه مالک، ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابرا کند، حق رجوع به دیگر غاصبین را نخواهد داشت...».

۴. Terre, op. cit, p. ۱۲۰۳.

۵. Porchy-Simon, op. cit, p. ۳۸۹ et Lacombe, op. cit, p. ۴۶۸.

۶. Lacombe ۱۹۶۷, p. ۴۶۸.

۷. برای دیدن نظر مخالف رک. همان.

۸. Terre, ۲۰۰۵, p. ۱۲۰۴.

این خصیصه را نباید با نهادهای حقوقی که در حکم پرداخت کرده‌اند در هم آمیخت و نتیجه‌ای واحد را به دست داد. نهاد تضامم برای ایجاد امنیت اقتصاد و حمایت حقوقی برای جبران ضرر حادث شده است و نه وسیله سوءاستفاده طلبکار. پس مانند هر زیان دیگر، نمی‌تواند دوبار جبران شود. بنابراین اگر طلبکار با یکی از بدهکاران تهاثر کرد و یا میان او با یکی از بدهکاران مالکیت مافی‌الذمه رخ داد و یا موضوع تعهد را حواله کرد و یا تبدیل تعهد اتفاق افتاد، دین از ذمه دیگران نیز ساقط خواهد شد. چرا که در حقوق ما این نهادها بدل از پرداخت تلقی شده و باعث سقوط دین خواهند بود.

## ۲-۲- آثار تعهد تضاممی نسبت به بدهکاران

تضامم بر پایه نیاز به ترمیم زیان و تضمین جبران آن بنا شده و نظریه نمایندگی در آن راهی ندارد.<sup>۱</sup> قائم‌مقامی بدهکاران، استثنایی و تنها با مجوز قانونی است. بنابراین صرف پرداخت، باعث انتقال طلب نمی‌شود. از سوی دیگر پرداخت بدون اذن در آن راهی ندارد. چرا که بر خلاف تضامن، در تضامم همگی بدهکار بذات تلقی می‌شوند. پس پرداخت توسط یکی از بدهکاران، پرداخت دین خود تلقی می‌شود، مگر آنکه قانون قائم‌مقامی را تجویز کند. درست است که ارتباط حقوقی میان بدهکاران نیست، اما این سبب نمی‌شود که وضعیت جدید حقوقی به وجود آمده نسبت به آنان بی‌اثر باشد؛ مانند پرداخت جزیی طلب در حق دیگر بدهکاران نیز نافذ است و آنان را از آن مقدار بری خواهد کرد. چراکه تعهد یکی است، اما تعداد بدهکاران این تعهد متعدد است.

اثر مهم دیگری که تضامم به جا می‌گذارد، جانشینی<sup>۲</sup> در دعواست.<sup>۳</sup> به این معنا که با پرداخت توسط یکی از بدهکاران تضاممی، او جانشین طلبکار خواهد شد؛<sup>۴</sup> با همان شرایطی که در مورد تضامن ناقص وجود دارد.<sup>۵</sup> این شرایط را می‌توان به این صورت برشمرد. اولاً: باید تمام موضوع تعهد پرداخت شده باشد و پرداخت جزیی از آن منجر به جانشینی نخواهد بود. ثانیاً: این پرداخت باید از لحاظ حقوقی درست انجام گرفته باشد و تعهد با موضوع پرداخت مطابقت کامل داشته باشد. ثالثاً: همان موضوع تعهدی به جانشین خواهد رسید که پرداخت شده است.<sup>۶</sup> بنابراین در تعهدات تخییری یا اختیاری که موضوع تعهد بین چند چیز است، آنچه که پرداخت شده به جانشین می‌رسد، نه موضوعاتی که در تخییر و اختیار در آنها بوده است. این امر مانع از این نخواهد بود که پرداخت کننده که طلبکار جدید شده است با بدهکار خود در

۱. Mazeau, ۱۹۸۲, p. ۱۱۰۴.

۲. subrogation

۳. جانشینی در مفهوم عام خود به دو گروه تقسیم می‌شود: ۱. جانشینی عینی<sup>۲</sup> جانشینی شخصی. جانشینی عینی، خود به انتقال طلب، انتقال دین و انتقال قرارداد تقسیم می‌شود (Porchy-Simon, op. cit, p). جانشینی شخصی نیز شامل قراردادی (ماده ۱۲۵۰ ق.م.ف.) و قلمونی (ماده ۱۲۵۱ ق.م.ف.) است.

۴. Lacombe, ۱۹۶۷, ۴۶۹.

۵. Porchy - Simon, ۲۰۰۲, p. ۳۸۸.

۶. Lacombe, ۱۹۶۷, p. ۴۲۰.

قالب عقدی جدید تبدیل تعهد کرده و یا از سایر عوامل ساقط کننده حقوقی که در اختیار اوست، استفاده کند. رابعاً: تمام ادله و آثار اثباتی، به جانشین رسیده و او را از اثبات مجدد و طرح دعوی بی‌نیاز خواهد کرد و این خود استثنایی بر اصل نسبی بودن احکام دادگاه‌هاست<sup>۱</sup>. خامساً: جانشینی تعهد با همان کیفیت و اوصاف که تعهد در بدو امر داشته است، اتفاق خواهد افتاد<sup>۲</sup>. به این معنا که در صورتی که تعهد دارای شرط اجل یا تعلیق و یا شرطی دیگر باشد، این اوصاف به طلبکار جدید منتقل خواهد شد. پس اگر در تعهد موجلی یک از متضامان زودتر از اجل پرداخت نماید و جانشین طلبکار شود، باید تا حلول اجل صبر کند. از این شرط نکته دیگری که به دست خواهد آمد آن است که تعهداتی که قائم به شخصیت باشند، قابل انتقال نخواهند بود و با پرداخت از بین خواهند رفت.

۱. Ibid, p. ۴۲۱.

۲. Ibid, p. ۴۲۴.

## نتیجه‌گیری:

نهاد تضامم به عنوان نوعی از مسئولیت جمعی، برای ایجاد امنیت اقتصادی و حمایت حقوقی برای جبران ضرر حادث شده، به وجود آمده است. در حقوق فرانسه این مفهوم با تضامن ناقص در هم آمیخته است و به جای نهاد تضامن ناقص از نهاد حقوقی تضامم استفاده و مفهوم تضامن ناقص را متروک کرده‌اند. مسئولیت تضاممی مسئولیتی است که در آن بدهکاران، ملتزم به تادیه تعهدی واحد با اسباب مختلف هستند. تضامم توصیف قانونی از تعدد بدهکارانی است که رابطه حقوقی مستقیمی با هم ندارند. به بیان بهتر تضامم نوعی از تعهد گسسته است که از این جهت در مقابل تعهدات پیوسته مانند تعهد به تسهیم، تعهد مشترک و یا تعهد تضامنی قرار می‌گیرد. بنابراین وجه افتراق این نوع از تعهد با تضامن، نبود ارتباط حقوقی میان بدهکاران متعدد است. بی‌شک در مسئولیت تضاممی همیشه باید حداقل یک رابطه حقوقی تعهدنا ناهی از مسئولیت مدنی باشد. چرا که شرط ایجاد این نوع از مسئولیت وحدت موضوع و تعدد اسباب ایجادکننده این تعهد واحد است و چنین امری به صرف وجود قرارداد ممکن نیست. تضامم زمانی رخ می‌دهد که حداقل یک رابطه قراردادی و یک رابطه ضمان قهری یا چند ضمان قهری مولزی در تولید تعهد نقش ایفا کنند بدون آنکه میان بدهکاران این دو یا چند رابطه، ارتباط حقوقی مستقیمی برقرار شود. در تعهد تضاممی طلبکار می‌تواند برای تمام موضوع تعهد به هر یک از بدهکاران مراجعه کند. پرداخت هر یک از بدهکاران نیز سبب براءة ذمه همه بدهکاران نسبت به طلبکار اصلی می‌شود و از این جهت همانند تضامن منفی است. تضامن منفی در حقوق رومی بر پایه نمایندگی استوار است. بر همین مبنا آثار فرعی تضامن بر آنان بار خواهد شد. اما در تضامن نمایندگی و به تبع آن ارتباط حقوقی میان بدهکاران وجود ندارد. بر همین اساس برای یکی از بدهکاران، سبب سقوط تمام تعهد نخواهد بود. تضامم هرچند در متون حقوقی ما مغفول مانده اما تصور آن در ذهن فقیهان و نویسندگان حقوقی ما مشهود است و به کرات از آن استفاده می‌کنند.

۱. السنه‌پوری، عبدالرزاق احمد (بی‌تا)، الوسیط، بی‌تا، جلد سوم، نسخه پی دی اف کامپیوتری.
۲. السنه‌پوری، عبدالرزاق احمد (بی‌تا)، انتقال و سقوط تعهدات، ترجمه: امینی، علیرضا و دیگران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۳. امیرمحمدی، امیررضا (۱۳۸۴)، مفهوم تضامن و آثار آن با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه، رساله دکتری دانشگاه تهران به راهنمایی سید حسین صفایی.
۴. ایزانلو، محسن (۱۳۸۹)، «شرط مخالف قایم مقامی بیمه‌گر»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴.
۵. جنیدی، لعیا (۱۳۷۵)، «تضامن آثار و اوصاف آن»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شماره ۳۵.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، حواله، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، رهن و صلح، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰)، حقوق اموال، چاپ پنجم، تهران، گنج دانش.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، فرهنگ عناصرشناسی، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، فلسفه‌اعلی در علم حقوق، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
۱۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳)، ضمان عقدی، چاپ دوم، تهران، گنج دانش.
۱۳. جماعه من علما الهند (۱۳۱۰ ه. ق)، الفتاویه الهندیه، جلد دوم، چاپ دوم، قاهره.
۱۴. خراسانی (آخوند)، محمدکاظم (۱۳۹۴)، حاشیه‌الآخوند علی‌المکاسب، چاپ اول، قم، سماء قلم.
۱۵. سلطان، انور (۱۹۷۴)، احکام الائتزام، دارالنهضت العربیه، بیروت.
۱۶. شمس، احسان (۱۳۹۶)، تعدد طلبکاران، چاپ اول، تهران، کیومرث.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، دانشگاه.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، نظریه عمومی حقوق تعهدات، چاپ دوم، تهران، میزان.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲)، تقریرات درس مسئولیت مدنی تطبیقی، دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران.
۲۰. کاتوزیان، ناصر، و ایزانلو، محسن (۱۳۸۷)، مسئولیت مدنی، جلد سوم (بیمه)، چاپ اول، دانشگاه تهران.



۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، قانون مدنی در نظم کنونی، چاپ چهل و ششم، میزان، تهران.
۲۲. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر ابن حسن (۱۳۸۸)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد اول، استقلال، چاپ هشتم، تهران.
۲۳. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵)، قواعد عمومی مسئولیت مدنی، جلد اول، چاپ اول، تهران، میزان.
- ۲۴-Ghestin j. , Jamin ch. , Billiau m. (۱۹۹۴) traite de droit civil, Le effets du contrat, ۲ ed, paris.
- ۲۵-Kuntz-duchen, Florence (۱۹۹۴) droit civil, les obligation, ۱ ed, paris.
- ۲۶-Lacombe, jean (۱۹۶۷), theorie generale des obligation, ۵ ed, cujas, paris.
- ۲۷-Legier, Gerard (۲۰۰۱), les obligation, ۱۷ ed, dalloz, paris.
- ۲۸-Mazeaud, henry et leon, (۱۹۸۲), Lecons de droit civil, paris.
- ۲۹-Philippe le Tourneau (۲۰۰۴), solidarite, dalloz.
- ۳۰-Porchy-Simon, Stephanie,(۲۰۰۲)droit civil, ۲ ed, dalloz.
- ۳۱-Treitel (۱۹۹۵), the law of contract, international student edition, London.
- ۳۲-Terre, francois et simler, philippe et lequette, yves (۲۰۰۵), droit civil les obligations, dalloz, paris.

## In solidum

Ehsan Shams<sup>۱</sup>

### Abstract

The obligation has been interested by the new world and its complexity, and rarely do we face to a pure obligation. Its provisions are improved, weather in the instinct of obligation or in the owners. As a general approach, the obligation has divided to simple one and complex one. Complex obligation may made by interring provisions in the instinct of obligation itself or increasing number of owners. In our legal system plurality in owners of obligation may divided to disconnected obligation and connected obligation. Plurality disconnected obligation- means a kind of complex obligation which has more than one debtor or crenate – itself divided to normal one and insolidum. Although the insolidum has diffused background in our legal system, but it has valued by insurance industry, and this point has outlined its description which this research wanted to do. Insolidum is a kind of unique and seamlessly obligation which has been owed by several debtors, whom have no legal connection with each other in that subject. with this meaning it seems opposite of solidarite. Study this legal meaning and its characteristics can reinforce our obligation law, especially our insurance law.

**Keywords** :Insolidum, solidarite, solidarite passive, delegation, subrogation

<sup>۱</sup>. PhD in Private Law, University of Tehran and University Lecturer